

نقد و بررسی مسأله دعا و پاره‌ای از چالش‌ها

سید مجتبی موسوی*

چکیده

این نوشتار با توجه به آیه ۶۰ سوره مؤمن که در آن توصیه به دعا و وعده قطعی استجاب داده شده، با تحلیل دقیق دعا و با عنایت به آیات قرآنی و سنت معصومین، به یک چالش روی می‌آورد و آن این است که چرا بسیاری از دعاها مستجاب نمی‌شود؟ مفسران گفته‌اند: شرط استجاب دعا وجود مصلحت و پاکی روح است. اگر دعایی مستجاب نمی‌شود به خاطر فقدان یکی از دو شرط یا هر دوی آنهاست. با توجه به اطلاق آیه مورد بحث، نگارنده پاسخ مفسران را کافی ندانسته و خود به پاسخی دقیق‌تر دست یافته است.

واژگان کلیدی: دعا، مصلحت، طهارت روح، قرآن، سنت

*. پژوهشگر حوزه معارف دینی.

مقدمه

برخی از صاحب نظران غربی دعا را به پرواز روح آدمی تعریف کرده‌اند. قطعاً اگر با نگاه عقلانی و وحیانی به مسأله نگاه کنیم، به قضاوتی غیر از این نخواهیم رسید. از آن جا که امام علی **۷** دنیا را خانه پر از بلا می‌شناسد^۱ (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴) سفارش فرموده است که باید امواج بلا را به وسیله دعا، دفع کرد.^۲ (همان، حکمت ۱۴۶)

خدای متعال فرمود: «مرا بخوانید تا شما را استجابت کنم. آنان که از پرستش من اعراض کنند، به زودی با خواری داخل دوزخ می‌شوند»^۳ (مؤمن (۴۰)، آیه ۶۰)

پیامبر بزرگ اسلام فرمود: «دعا سلاح مؤمن و ستون دین و نور آسمان‌ها و زمین است»^۴ (قمی، ۱۳۵۵، ج ۱، ص ۴۴۶)

بنابراین، با هیچ عذر و بهانه‌ای ترک دعا روا نیست. امام علی **۷** توصیه می‌کرد که مبدا تأخیر اجابت دعا، انسان را ناامید کند.^۵ (درایتی، ۱۴۱۳ق، ۳۳۹) و نیز فرمود: «هر کس اهل دعا باشد، از اجابت محروم نمی‌شود»^۶ (همان)

چرا عدم اجابت؟

با این که در لسان آیات قرآنی و روایات پیامبر و اهل بیت عصمت و طهارت، تأکید بسیار شده و عاجزترین مردم را کسانی معرفی کرده‌اند که از دعا عاجزند،^۷ (همان) این سؤال مطرح است که چرا بسیاری از دعاهای ما - بلکه بیشترین آنها - مستجاب نمی‌شود؟ خدایی که وعده داده است که دست حاجتمندان را از درگاهش خالی برنگرداند و دعاهایی را که بندگان با حالت تضرع و خضوع و خشوع به پیشگاه والایش عرضه می‌دارند، اجابت کند، چرا تیر دعای آن‌ها به

هدف اصابت نمی‌کند، و چرا از میان انبوهی از تقاضاهای موجود، تعداد کمی مستجاب می‌شود، و چرا طیف وسیعی از بندگان از اجابت دعای خود بی‌نصیب می‌مانند؟ از یک سو آیه شریفه‌ای که دستور دعا داده، اطلاق دارد و از سوی دیگر، دعا‌های غیر مستجاب کم نیستند.

اینجاست که واکنش حاجتمندان متفاوت می‌شود و طرز برداشت هرکس متناسب با وسعت بینش و اندیشه و جهان‌بینی اوست. انسان واقع بین از حقیقت دعا و آثار آن مفهوم روشن و درستی درک می‌کند و آنکه بدبین است و روحیه منفی دارد از زاویه‌ای دیگر به مسأله می‌نگرد.

در این راستا چه بسا کسانی که ظاهراً از دعای خود نتیجه‌ای عایدشان نشده و از نظر روحی کم‌ظرفیت و سطحی‌نگرند، به سرخوردگی‌های فراوان دچار شوند و در فراز و نشیب‌های زندگی به دام یأس و ناامیدی حادّ و شکننده‌ای گرفتار گردند و به حقایق بسیاری پشت‌کنند و یا حتی در سنگر انکار ارزش‌های الهی موضع بگیرند.

پرسشی که اینک مطرح می‌شود این است که با وجود تضمین خداوند بر اجابت خواسته‌های بندگان علّت عدم اجابت دعاها و بی‌پاسخ ماندن درخواست‌های حاجتمندان چیست؟

پاسخ مفسران

مفسران بزرگوار که درصدد پاسخگویی و گشودن این راز برآمده‌اند به طور عمده دو پاسخ را عنوان کرده‌اند:

۱. اجابت دعا به شرایط گوناگونی بستگی دارد که مهمترین آنها طهارت و پاکی درون و عدم آلودگی انسان به بسیاری از گناهان و تمرد و سرکشی از فرامین الهی

است زیرا اصولاً گستاخی و نافرمانی حق تعالی از عوامل مهم ردّ دعا و مانع اجابت است و انسان را از دستیابی به لطف و عنایات پروردگار که دریای ژرف و بیکرانی است محروم می‌سازد. (العروسی الحویزی، ۱۳۷۰، ج ۴، ص ۵۲۷ و ۵۲۸)

۲. مصلحت‌اندیشی پروردگار که سرچشمه حکمت‌هاست و علمش محیط بر تمام جهات و ابعاد است، ایجاب می‌کند که برخی از دعاها پذیرفته شود و دعا کننده به خواسته خویش دست یابد و برخی دیگر به اجابت نرسد، زیرا خداوند آگاه به مصالح بشر و مصالح مجموعه عالم است که اجزاء آن به هم گره خورده است، در حالی که هر فرد با آگاهی یا ناخودآگاه با مسائل گوناگون از دیدگاه مصالح خویش می‌نگرد و مصلحت عام و فراگیر در حوزه تفکر و اندیشه او راه ندارد.

اما جامع‌نگری پروردگار اجابت هر دعایی را به مصلحت نمی‌داند و حتی در چهارچوب مسائل شخصی هم بسیاری از دعاها در نهایت به خیر و صلاح دعاکننده نیست و اجابت اینگونه دعا نمی‌تواند تضمین‌کننده سعادت واقعی او باشد. (طبرسی، ج ۷ و ۸، ص ۵۲۹)

پاسخی جامع و کامل

هر چند این دو پاسخ عمده در جای خود درست و پذیرفتنی است اما کمتر می‌تواند به دنیای درونی پرسشگران آرامش ببخشد و پاسخ پرسش کنجکاوانه آنها را بدهد بویژه آنکه خداوند متعال قاطعانه در آیه مورد بحث اجابت دعا را تضمین فرموده است زیرا عبارت آیه مشروط به تحقق شرایطی نیست و برای اجابت دعای بندگان هیچ قیدی در آن لحاظ نشده است.

وانگهی تخصیص‌زدن اکثر دعاها را رایج و اخراج آنها از شمول و عموم آیه

شریفه با بلاغت کلمات الهی ممکن است سازگار نباشد، بنابراین باید در پی پاسخی بود که از اتقان و استحکام کافی برخوردار باشد تا بتواند با سیاق آیه سازگاری کند و هم به پرسشگر و هم به اهل تحقیق پاسخ مناسب و اساسی بدهد. اینک موضوع را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

وقتی با دقت کافی به بررسی آیات قرآنی می‌پردازیم می‌بینیم نوع دعاهایی که خداوند ضمانت اجابت آنها را فرموده است قالب خاصی دارد که با حفظ و رعایت آن می‌توان به اجابت دعا امیدوار بود، و در حقیقت قرآن الگوی دعا را به مردم ارائه می‌دهد تا بندگان با نمونه‌برداری از آن بتوانند تمنیات ارزشی خویش را با اخلاص و امید با خالق هستی در میان بگذارند.

سنخیت دعا باید با روند تکاملی انسان و همگام با پویش پدیده‌های رو به کمال هستی که از پایداری و تداوم برخوردار است همخوانی کند اینجاست که دعای بندگان بازتاب مطلوبی خواهد داشت و مورد اجابت حق تعالی قرار خواهد گرفت. به عبارت دیگر دعای بنده به پیشگاه ربوبیت باید جهت‌دار و با اهداف آفرینش انسان که با موجودیت او گره خورده است هماهنگ باشد، آن دعایی که میدان دید آدمی را تا سر حدّ جهان ملکوتی گسترش می‌دهد دعایی است سرنوشت‌ساز و عامل رشد با تمام ابعادش که شخص را در مسیر تحصیل فضائل و تعالی روح و پیشرفت و هدایت به جلو می‌راند تا امداد غیبی و الهی شامل حالش شود و بر غنای معنویش بیفزاید.

پس دعای واقعی را باید از این زاویه نگریست، در حالی که بیشترین دعای توده مردم از ابعاد معنوی و ارزشی تهی و بی‌بهره است و بر محور مسائل جزئی و کم ارزش و رفع مشکلات روزمره‌ای دور می‌زند که افراد در جریان زندگی به‌طور معمول با آنها روبرو هستند.

چنانکه اشاره شد به نظر مفسران دو مانع بزرگ سدّ راه اجابت دعا می‌شود، اما در راستای دعاهای واقعی آن دو مانع یعنی گناه و عدم مصلحت دعا کننده، از سر راه دعاهای معنوی کنار می‌روند زیرا استغفار از گناه و طلب عفو و بخشودگی از ساحت مقدس حق در صدر دعاهایی قرار می‌گیرد که آراستگان به فضائل روحی و معنوی همواره به درگاه معبود بی‌همتای خویش زمزمه می‌کنند و خدای متعال هم به بندگان هشدار داده که برای محو آثار گناه به توبه خالص و پلایش شده و برگشت‌ناپذیر روی آرند، و خویشتن را از روند اعمال گذشته تصفیه و پاکسازی نمایند، تا ذات مقدس پروردگار هم توبه و استغفار این بندگان را که چیزی جز بازگشت به حق و پویش منظم در طریق افزایش معرفت و ایمان و جبران خطاکاری‌ها نیست به لطف و کرم خود بپذیرد.

و اما عدم مصلحت اجابت دعا در دعاهای معنوی مطرح نیست چون بندگان دعاهایی به پیشگاه خداوند عرضه می‌دارند که به افزایش معرفت و کمالات و فضائل روحی آنها بیانجامد و قطعاً اجابت اینگونه دعاها در اینجا به مصلحت دعا کننده است. زیرا وقتی گفته می‌شود اجابت برخی دعاها به خیر و صلاح دعا کننده نیست قطعاً نبود مصلحت در عرصه این دعاها جایگاهی ندارد بلکه اجابت این نوع دعا برای دعا کننده عین مصلحت است.

بنابراین با عرضه دعای ارزشی و معنوی آن دو مانع بزرگ رفع می‌شود و زمینه اجابت دعا کاملاً آماده می‌گردد.

بهترین مصادیق دعای واقعی، را می‌توانیم در قرآن کریم به روشنی بیابیم و پس از جستجوی لازم با حقایقی از این دست آشنا شویم. خداوند از زبان انبیاء و اولیاء خود نمونه دعاهایی را بیان می‌کند که مبدأ و مقصد حرکت متعالی را برای حیات انسان‌ها مشخص می‌سازد یعنی رسیدن به اهداف روشن و مستقیم و

وصول به مقام قرب الهی.

و اگر دعاهایی در قرآن از زبان انبیاء مطرح شده که ظاهراً در ارتباط با امور دنیا است مقدمه‌ای بوده برای کسب ارزش‌ها و در باطن، هدف رفیع و صعود والایی مد نظر بوده است.

حضرت زکریا **7** فرزند را برای ادامه رسالت و هدایت انسانها می‌خواهد نه به خاطر دلخوشی پدر به داشتن فرزند، کلمات حضرت زکریا **7** و نجوای وی که از ژرفای وجودش برمی‌خاست عمیق‌تر از آن بود که با نگاه سطحی بتوان بر آن نظر کرد و گذشت زیرا تعبیر آن حضرت از فرزند کلمه «ولی» است نه «ولد» یعنی ثمره زندگی او می‌بایست یکی از اولیاء خدا باشد و وراثت او منجر به استمرار مسیر نبوت و هدایت انسانها شود و در دگرگون‌سازی‌ها و تداوم بخشیدن به موج فرهنگ الهی که انسان‌های متعالی را می‌آفرید، سهمیم گردد. او خاضعانه می‌گفت:

خداوندا از لطف خاص خود جانشینی به من ببخش که وارث من و دودمان یعقوب باشد.

دعای حضرت ذکریا **7** مستجاب گشت و خداوند آن پیامبر راستین را به آرزوی خود رساند، فرزند دلخواهش قدم به عرصه دنیا نهاد و رسالت هدایت مردم را تا آخر دنبال کرد.

سلیمان پیامبر **7** ملک و سلطنت را برای کسب هر چه بیشتر شهرت و با انگیزه قدرت طلبی و بهره‌برداری از امتیازات حاکمیت نمی‌خواست او درمان و تغذیه روح بشر و رساندن انسان‌ها به حقیقت برتر را آرمان والای خود می‌دانست و شفای جان‌ها را در قلمرو تعلیماتش جای می‌داد.

تاریخ هرگز نشان نداده که آن پیامبر بزرگ ذره‌ای از قدرت به عنوان اهرم

خواسته‌های نفسانی و مصالح شخصی استفاده کرده باشد بلکه این امکانات و قدرت را صرف هدایت انسانها می‌کرد تا پرچم توحید برافراشته بماند و عدالت در زمین مسقر شود.

حضرت سلیمان **7** در راز و نیاز خود به درگاه احدیت چنین فرمود:

پروردگارا! شکر نعمت‌هایی که بر من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای به من الهام کن و توفیق ده تا عمل صالحی که موجب رضای توست انجام دهم و مرا به رحمت خود در زمرهٔ بندگان صالحت وارد ساز. (نمل (۲۷)، آیه ۱۹)

و به دعای ابراهیم خلیل **7** توجه کنیم:

پروردگارا! مرا برپا کننده نماز قرار ده و از فرزندانم نیز چنین فرما پروردگارا! دعای مرا بپذیر، «پروردگارا! من و پدر و مادرم و همهٔ مؤمنان را در آن روز حساب که بر پا می‌شود بیمارز. (ابراهیم (۱۴)، آیه ۴۰ و ۴۱)

تنها موردی که در قرآن دعای پیامبر خدا رد می‌شود و مورد اجابت قرار نمی‌گیرد، دعای حضرت نوح **7** نسبت به فرزندش می‌باشد که از روی عواطف پدری خواهان نجات او از طوفان است و خداوند چنین خواسته‌ای را برآورده نمی‌سازد. (حتی اگر نبی مقرب درگاه الهی بخواهد).

در آیات قرآنی دعا‌هایی که فرشتگان و حاملان عرش الهی در حق بندگان به درگاه حق تعالی عرضه می‌دارند همه در جهت رسیدن بندگان به سعادت ابدی است و لذا از درگاه ربوبیت می‌خواهند توبه بندگان را بپذیرد و غفران و رحمتش را شامل حالشان سازد:

فرشتگانی که حاملان عرشند و آنان که پیرامون آن (در طوافند) به تسبیح و ستایش حق مشغولند، و به خدا ایمان دارند، و برای مؤمنان استغفار می‌کنند، (و می‌گویند) ای پروردگاری که دانش و رحمت بی‌انتهایت همه اهل عالم را فرا گرفته است تو

به لطف و کرم گناه آنان که توبه کردند و راه رضای تو را پیمودند ببخش و آنان را از عذاب دوزخ مصون دار. پروردگارا تو آنان را در بهشت جاویدان که به آنان وعده فرمودی با پدران (و مادران) و همسران و فرزندانشان هر کدام که صالح بودند وارد ساز که تو توانا و حکیمی. (غافر (۴۰)، آیه ۷ و ۸)

در قرآن کریم دعای بندگان خاص خدا هم منعکس است که می‌بینیم همان ویژگی دعای انبیاء و فرشتگان در چنین دعا‌هایی موج می‌زند:

﴿الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ... سُبْحَانَكَ فَفَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾. ﴿رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ ءَامِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ رَبَّنَا وَءَاتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْوَعْدَ﴾

آنهایی که خدا را در حال ایستاده و نشسته و آنگاه که به پهلو خوابیده‌اند، یاد می‌کنند و در اسرار آفرینش آسمانها و زمین می‌اندیشند، (و می‌گویند) بارالها اینها را بیهوده نیافریده‌ای، منزه‌ی تو، ما را از عذاب دوزخ نگاه دار، پروردگارا ما چون صدای منادی تو را شنیدیم، که به ایمان دعوت می‌کرد که: به پروردگار خود ایمان بیاورید، و ما ایمان آوردیم، پروردگارا از گناهان ما در گذر و بدی‌های ما را بیوشان و هنگام جان سپردن ما را با نیکان و صالحان محشور گردان، پروردگارا آنچه را که به وسیله پیامبران به ما وعده فرمودی به ما عطا کن، و ما را در روز رستاخیز رسوا مگردان زیرا توهیح گاه از وعده خود تخلف نمی‌کنی. (آل عمران

(۳)، آیه ۱۹۱ تا ۱۹۳)

اگر آیات آخر سوره بقره را مرور کنیم باز هم می‌بینیم دعای مومنان برای خود دارای همین مضامین دعای انبیاء، فرشتگان و اولیاء و خاصان درگاه ربوبیت است. دقت کنیم:

﴿رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ كُنَّا سَيِّئِينَ أَوْ نَحْنُ بِذُنُوبٍ غَافِلِينَ أَوْ نَحْنُ بِذُنُوبٍ غَافِلِينَ وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾

پروردگارا اگر ما فراموشی یا خطا کردیم ما را مؤاخذه مفرما. پروردگارا تکلیف طاقت فرسا بر ما قرار مده آن گونه که بر گذشتگان پیش از ما قرار دادی. پروردگارا بار تکلیف فوق تحمل ما را بر دوش ما منه و ببخش و بیمارز گناه ما را و بر ما رحمت فرما تو مولا و سرپرست مایی پس ما را بر جمعیت کافران پیروز گردان. (بقره (۲)، آیه ۲۸۵)

تمام دعاها یاد شده در قرآن کریم یعنی دعای انبیاء، دعای فرشتگان در حق بندگان، دعای اولیاء و خاصان درگاه الهی، دعای مؤمنان در حق خود، همه در زمینه ارتقاء و رشد و تقرب جستن به ذات حق تعالی است و به همین سبب پس از ذکر این نمونه دعاها در قرآن کریم، خداوند می فرماید: ﴿فَاسْتَجِبْ لَهُمْ رَبُّهُمْ﴾ «پروردگار دعای ایشان را اجابت کرد». (آل عمران (۳)، آیه ۱۹۵)

به خوبی روشن است که از مجموع این دعاها، یک فقره از آنها هم آسایش و رفاه زندگی شخصی و وصول به متاع زودگذر عرصه دنیای مادی مورد درخواست قرار نگرفته است. قرآن کریم در آیه ای دیگر می فرماید:

﴿وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ﴾

دعای آنان که به خدا ایمان آورده و نیکوکار شدند مستجاب می گرداند و از فضل خود بر ثواب آنها می افزاید. (شوری (۴۲)، آیه ۲۶)

به گفته برخی از صاحب نظران و مفسران اجابت دعای مؤمنان در اینجا منحصر به عبادات و اطاعات است که مایه صعود انسان می شود و اینگونه دعاها مورد پذیرش ذات مقدس ربوبیت قرار می گیرد.

قرآن کریم پس از بیان مناسک حج و توصیه مردم به ذکر و یاد خدا می‌فرماید مردم دو گروهند برخی از آنها می‌گویند:

پروردگارا به ما در دنیا بهره‌ها عطا کن اینان در آخرت هیچ بهره‌ای ندارند. (بقره

(۲)، آیه ۲۰۰)

و برخی می‌گویند:

خداوندا به ما در دنیا بهره نیکو و در آخرت نیز بهره‌ای نیکو عطا فرما و ما را از

عذاب آتش دوزخ نگاه دار. (بقره (۲)، آیه ۲۰۱)

اینان از نتایج اعمال خود بهره‌مند خواهند گشت و خداوند به سرعت به حساب

همه رسیدگی می‌کند. (بقره (۲)، آیه ۲۰۲)

چنانکه می‌بینیم این دعا برای تعالی روح و افزایش معنویت و وصول به مقام قرب حق نیست، دعا برای به دست آوردن آسایش و متاع دنیا و یا آسایش و متاع دنیا و آخرت است لذا در این آیات برخلاف دعاهای معنوی که به دنبال آن گونه دعاهای خداوند وعده اجابت داده است، در اینجا از اجابت دعای دعاکنندگان خبری نیست، بلکه در پاسخ به هر دو دسته یعنی هم کسانی که فقط دل‌بسته متاع دنیا هستند و برای دست‌یابی به آن دعا می‌کنند و هم آنهایی که به متاع دنیا و آخرت چشم دوخته‌اند و برای رسیدن به خواسته خود که تهی از ارزش‌های معنوی است به دعا متوسل می‌شوند، خداوند متعال آنان را متوجه این حقیقت می‌سازد که رسیدن به چنین خواسته‌هایی از راه عمل بر طبق یک سنت عام الهی در نظام این جهان میسر می‌شود به این معنی که دست‌یابی به متاع دنیا یا متاع دنیا و آخرت در گرو تلاش و کوشش پیگیر خود آنها است و نیل به چنان اهدافی بر اساس اراده و اختیاری که به بشر تفویض فرموده است باید از مجرای آن سنت عام تحقق یابد.

بدین ترتیب به هر دو گروه از دعاکنندگان گوشزد می‌فرماید که تحصیل

مطلوب خویش را در سایه سعی و عمل متناسب جستجو کنند، زیرا به گفته قرآن: «اینان از نتیجه اعمال خود بهره مند خواهند گشت».

و برای رساندن مردم به نتایج اعمالشان «خداوند به سرعت به حساب همه رسیدگی می‌کند»

ائمه طهار : نیز الگوی باارزش از دعا را ارائه می‌دهند، نمونه بارز آن دعای کمیل از زبان امیر مومنان **7** است که در بخشی از دعا چنین آمده است:

یا ربّ قوّ علی خدمتک جوارحی و اشدد علی العزیمه جوانحی و هب لی الجدّ فی خشیتک و الدوام فی الاتصال بخدمتک... و منّ علیّ بحسن اجابتک و اقلنی عثرتی و اغفر زلّتی.

و به اعضاء و جوارح در مقام بندگیت نیرو بخش و ارکان وجودم را به خوف و خشیت سخت بنیان ساز و پیوسته در خدمت به حضرتت موفق بدار و بر من منت گذار و دعایم را مستجاب فرما و از لغزشم درگذر و خطایم را ببخش.

تا اینکه نکته جالب توجه عبارت پس از این دعاست که شاهد گویای نکته مورد نظر است:

فانک قضیت علی عبادک بعبادتک و امرتهم بدعائک و ضمانت لهم الاجابه. که تو به لطف خویش به بندگانت دستور عبادت دادی و امر به دعا فرمودی و اجابت آن را ضمانت کردی.

جمله فوق، اشاره به مضمون آیه مورد نظر در قرآن کریم است در این فقره از دعای کمیل امیرمؤمنان **7** ضمانت اجابت دعا از ناحیه پروردگار را به یک رشته دعاهایی نسبت می‌دهد که کلاً بر محور خواسته‌های معنوی دور می‌زند.

درحقیقت امیر مومنان **7** در راستای دعای انبیاء و فرشتگان و اولیاء حق و مومنان به ارائه مصادیق دعاهای تضمین شده می‌پردازد و به ما گوشزد می‌کند که

اینگونه دعا کنیم تا مورد اجابت باری تعالی قرار گیرد.

با مراجعه به دعاهای صحیفه امام سجاد **7** نیز مصادیق روشن دعای مستجاب با ویژگی خاص خود به دست می‌آید که کلاً بر محور ارزشهای والای معنوی می‌چرخد. در یکی از دعاهای صحیفه می‌خوانیم: «ایمانم را به درجه بهترین ایمان برسان و یقینم را برترین یقین گردان و نیتم را به بهترین نیت‌ها برسان و کردارم را بهترین کردار قرار ده». (امام سجاد **7**، صحیفه، دعای ۲۰)

سیدالشهداء **7** به درگاه خدا عرض می‌کرد: «خدایا در بی‌نیازیم فقیرم، چرا در فقرم فقیر نباشم؟ خدایا در علمم جاهلم، چرا در جهلم جاهل نباشم؟!» (قمی، ۱۳۷۸، ص ۴۷۳)

سایر ائمه اطهار : نیز دعاهای پربار و دارای والاترین مضامین را مطرح کرده‌اند که همه آنها در راستای دست‌یابی به مقامات معنوی است.

عرفا و بزرگان بر این مطلب تأکید ورزیده‌اند که اصل دعا و راز و نیاز به درگاه پروردگار مطلوبیت ذاتی دارد زیرا فلسفه اصلی دعا و نجوای بنده با پروردگار، هدایت و رشد و تعالی انسان است حتی اگر متعلق دعا دارای خصوصیات مادی و کم‌ارزش باشد. (نگ: قیصری، ۱۳۷۵، ۴۱۷ به بعد)

پس دعای واقعی و تضمین شده برای انسان‌هایی که پس از پاکسازی عقل، خانه دل را از عشق راستین سرشار کرده‌اند و کانون جانشان را از هر چه رنگ غیر خدایی داشته زدوده‌اند آن دعایی است که بر اساس پرستش انحصاری راه حرکتشان را به سمت معبود حقیقی هموار می‌سازد.

اما این مسئله مانع از آن نیست که خداوندی که خزائن رحمت و عنایتش نامتناهی است از روی فضل خود برخی از خواسته‌های دنیوی بندگانی را که به چالۀ اضطراب و درماندگی افتاده‌اند و از علل و اسباب قطع امید کرده‌اند اجابت

بفرماید از این رو ائمه طاهرین همواره بر این موضوع تأکید داشته‌اند که هر چه خواسته دارید از خدا بخواهید و فراوان دعا کنید.

از این رو بندگان در دعا‌های واقعی که مورد اجابت قرار می‌گیرند می‌توانند فضل و رحمت الهی را تقاضا کنند تا ذات اقدس ربوبیت تفضلاً برخی از دعا‌های عادی و خواسته‌های مادی آنها را نیز مورد عنایت و اجابت خویش قرار دهد البته نباید از ثواب اخروی دعا غافل بود هر چند برای رفع مشکلات دنیوی و امور مادی باشد.

اگر منظور از آیه شریفه ﴿أَدْعُوْنَ أَسْتَجِِبْ لَكُمْ﴾ و ضمانت اجابت دعا، دارای آنچنان شمول و گستردگی باشد که همه خواسته‌های دنیوی و امتیازات مادی و رفاهی و زیاده‌خواهی‌هایی را که هرگز پایان نمی‌پذیرد و انسان در دوران زندگی در پی دسترسی به آنها است نیز در برگیرد یک نوع تناقض پیش می‌آید زیرا دنیا جایگاه آزمایش بشر است و از این راه ظرفیت و توان هر کس به نمایش در می‌آید و خداوند هم طبق سنت قطعی خود دنیا را مکانی قرار داده که «دار بالبلاء محفوفه» و از روبرو شدن با مشکلات و فشارهای مترکم زندگی است که شخصیت انسان شکل می‌گیرد و رشد و تعالی او را سبب می‌شود.

انبیاء و بزرگان دین دشوارترین امتحان را در صحنه دنیا با عشق و شیدایی به درگاه منبع لایتناهی هستی پشت سر گذاشتند تا به مقام قرب پروردگار و آنچه را که شایسته ارزش والایشان بود نائل آمدند.

اگر قرار باشد با دعا دشواری‌های عادی و طبیعی زندگی و مشکلات دنیایی انسان حل گردد و پروردگار هم اجابت این نوع دعاها را برای بندگان تضمین کرده باشد خداوند این سنت را بر دنیا حاکم نمی‌کرد چنانکه فرموده است: «ما انسان را آفریده و زندگی را با رنج و محنت آمیخته‌ایم» (بلد، ۹۰)، آیه ۴

این دریافت و نگرش ذهنی خلاف حکمت الهی است که از یک سو مقدر فرماید که مردم را در محدوده دنیا با سختی‌ها و دشواری‌ها بیازماید و از سوی دیگر همین مجموعه سختی‌ها و دشواری‌های مقدر شده را با دعا رفع سازد؛ در قرآن کریم می‌خوانیم:

آیا مردم گمان کردند همین که بگویند ایمان آورده ایم بحال خود رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد؟ (عنکبوت(۲۹)، آیه ۲)

ناگفته نماند که بخش دیگری از نارسانی‌ها و سختی‌های دنیا به عملکرد ناشیانه و غیر معقول خود انسان باز می‌گردد و باری تعالی هم با موهبت عقل و خرد، از انسان خواسته تا حد مقدور برای حل مشکلات خود تلاش کند و راه خود را به جلو بگشاید.

نکته‌ای که از ذیل آیه مورد بحث می‌توان استفاده کرد این است که اگر مراد از عبادت در بخش پایانی آیه را که می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾ مرادف دعا کردن بدانیم با صدر آیه که امر به دعا شده است تناسب و همخوانی بیشتری دارد زیرا در این آیه سخن از دعا و اجابت آن است و دعا هم عصاره عبادت و سبب زاینده‌گی و پویایی انسان و اهرم حرکت او به سوی کمال است و انسان‌ها برای رسیدن به پایگاه برومند آسمانی باید در قلمرو ذکر و دعا قرار گیرند و از سوی دیگر عبادت بیشتر با کلمات ستایش آمیز از مقام خالق و حمد و ثنا و سپاس نعمت‌های الهی و تنزیه و تقدیس ذات ربوبیت بیان می‌شود.

اما دعا خواهش و تمنای متضرعانه انسان است به درگاه حق تعالی که اعماق وجود انسان را به سوز و درد و امیدارد و روحش را به اوج هستی نامتناهی بالا می‌برد و در واقع اعتراف آدمی است به حقارت و ناتوانی خویش در برابر عظمت پروردگار اینجاست که حالت کبر و غرور ابلهانه و شرم‌آور مستکبران

عاملی است که به صورت مستمر آنها را در بند خود پرستی و ملاک‌های ساختگی گرفتار می‌کند و به استنکاف از دعا و اظهار عجز و تذلل و فقر در برابر مقام ربوبیت و قطع پیوند از حقیقت متعالی وا می‌دارد.

اگر به خصلت‌ها و افکار و ویژگی‌های مستکبران کوتاه‌بین توجه کنیم در خواهیم یافت که غالباً رویه آنها ستایش زبانی پروردگار است ولی نشانی از دعای متضرعانه در آنها دیده نمی‌شود، این مغروران خودخواه و نادان و زبون حاضر نیستند در پیشگاه آفریننده خود حالت تضرع به خود بگیرند و به حقارت و ناتوانی خویش اعتراف کنند.

لذا خدای قاهر و مالک هستی به گرفتارشدگان در دام نخوت و تکبر هشدار می‌دهد که خوی استکباری و غرور که مانع از دعا و تضرع و راز و نیاز به درگاه حق تعالی است سرانجامی جز شقاوت و خسران ابدی و عذاب اخروی برای آنان نخواهد داشت.

یکبار دیگر آیه مورد بحث را از نظر بگذرانیم:

﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾

و خدای شما فرمود که: مرا بخوانید تا دعای شما را مستجاب کنم و آنان که از دعا و عبادت من اعراض و سرکشی نمایند با ذلت وارد دوزخ می‌شوند.

(مؤمن: ۴)، آیه ۶۰)

وانگهی در آیه مورد بحث، دعا به عنوان عبادت تلقی شده و بنابراین چون عبادت، تعطیل پذیر نیست، دعا نیز تعطیل ناپذیر است، بلکه به فرمایش امام باقر **۷** بهترین عبادت دعاست. (فیض کاشانی، ۱۴۰۲ق، ج ۴، ص ۳۴۶)

زندیقی به محضر امام صادق **۷** درباره آیه استجابت بی قید و شرط دعا

سؤال کرد و این که چرا دعای افراد مضطر و مظلوم مستجاب نمی‌شود؟ امام 7 در پاسخ او فرمود: هیچ دعایی نیست که مستجاب نشود. دعای ظالم مردود است تا توبه کند و دعای محق، مستجاب است و به گونه‌ای که نداند بلایش دفع می‌شود و ثواب فراوانی برایش ذخیره می‌گردد. اگر آنچه بنده تقاضا کرده، به خیرش نیست، به او داده نمی‌شود. مؤمن عارف، برایش گران است که نمی‌داند آن چه درخواست کرده، صواب است یا خطا؟ گاهی بنده هلاک کسی را درخواست می‌کند که مدت‌ش تمام نشده یا تقاضای باران می‌کند، حال آن که به مصلحت نیست؛ زیرا خدای متعال به تدبیر مخلوقات خویش آگاه تر است و نظائر آن، پس بفهم. (طبرسی، الاحتجاج، ۱۴۰۳، ۳۴۳)

نتیجه

۱. دعاهایی که نشان تکامل روحی انسان است و به منظور ارتباط و اتصال به مبدء صاحب جمال عالم هستی، زمزمه می‌شود، مستجاب است.
۲. دعاهایی که به خاطر حاجات دنیوی زمزمه می‌شود، در صورتی که به مصلحت انسان باشد و با کل نظام هستی متعارض نباشد، مستجاب است.
۳. دعای افراد ستمکار و شرور قابل استجاب نیست، مگر این که توبه کنند.
۴. مواعی که موجب عدم استجاب دعا می‌شود، مانند اکل حرام، باید برطرف شود.
۵. اطلاق آیه شریفه منافاتی با تأخیر یا عدم استجاب برخی از دعاها ندارد؛ چرا که انسان باید توجه کند که حقیقت دعا را باید متحقق سازد، تا اگر به مصلحت اوست، مستجاب شود.

پی نوشتها

۱. دارُ بالبلاءِ محفوفه.
۲. ادفعوا أمواجَ البلاءِ بالدُّعاء.
۳. أدعوني أستجب لكم إن الذين يستكبرون عن عبادتي سيدخلون جهنم داخرين.
۴. الدعاء سلاح المؤمن و عمادُ الذين و نورُ السماوات و الأرض.
۵. لا يمتطك تأخيرُ إجابته الدعاء.
۶. من أعطى الدعاء لم يحرم الإجابة.
۷. أعجز الناس من عجز عن الدعاء.

کتابنامه

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. امام سجاد 7، *الصحيفة الكاملة السجادية*، المتشاريه الثقافيه الجمهوريه الاسلاميه الايرانيه بدمشق، بی تا
۴. درایتی، مصطفی، *معجم الفاظ غررالحکم و درر الکلم*، قم، مرکز الأبحاث و الدرايات الإسلاميه، مکتب الأعلام الإسلامی، الطبعة الأولى، ۱۴۱۳ق
۵. طبرسی، ابومنصور احمد بن علی بن ابی طالب، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق
۶. طبرسی، فضل بن الحسن، *مجمع البيان فی تفسیر القرآن*، تصحیح رسولي محلاتی، مکتبه علمیه اسلامیه، بی تا
۷. فیض کاشانی، *تفسیر الصافی*، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۰۲ق
۸. قمی، شیخ عباس، *مفاتیح الجنان*، آستان قدس رضوی، چاپ ششم، ۱۳۷۸
۹. همو، *سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار*، چاپ نجف اشرف، ۱۳۵۵ق
۱۰. قیصری رومی، محمد داوود، *شرح فصوص الحکم*، به کوشش سید جلال آشتیانی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۵